

شکست راست در برزیل!

علی جوادی

Ali_Javadi@yahoo.com

فضای برزیل پس از اعلام پیروزی لویس ایناسیو داسیلو (لولا) کاندیدای حزب کارگران به جهاتی به فضای پس از پیروزی در جام جهانی فوتبال شبیه بود. کارناوالهای شاد، آتش بازی، رقص خیابانی، گروههای سامبا و مردم زحمتکشی که به امید تغییر و بهبود زندگی به خیابانها ریخته بودند. همراه اینها دریایی از پرچمهای سرخ در خیابانهای سائوپالو و سایر شهرهای برزیل موج میزد. پسرک دستفروش خیابانی، پسر بچه کفاش دوره گرد، کارگر تراشکار، رهبر اتحادیه قدرتمند فلزکاران، زندانی سیاسی سابق، رهبر حزب کارگران، لولا، با پرچم پایان دادن به گرسنگی، کار برای بیکاران، بیمه های درمانی، آموزش همگانی و افزایش حداقل دستمزد با تفاوتی چشمگیر در تاریخ انتخاباتی برزیل به ریاست جمهوری انتخاب شده بود. لولا در هر منطقه ای از برزیل با اکثریت قاطعی پیروز شده بود.

برزیل یک نمونه از کشورهایی است که تناقضات سرمایه داری معاصر را منعکس میکند. برزیل با جمعیتی معادل ۱۷۰ میلیون، هشتمین کشور صنعتی پیشرفته جهان است که بیش از ۵۰ میلیون نفر از مردم آن زیر خط فقر زندگی میکنند. کشوری که بیشتر از ایتالیا اتوموبیل فیات تحویل جهان میدهد. اما بسیاری از تولید کنندگانش باید پا برهنه در خیابانها به این سو آن سو، به سر کار بروند. جایی که "کودکان خیابانی" بیرحمانه هدف تمرین تیراندازی گروههای فاشیست و دستی راستی اند. سرزمینی که نیمی از جمعیت آن از امکان خوردن بیش از یک وعده غذا را ندارد. کشوری که نیمی از آهن مصرفی جهان از معادنش استخراج میشود اما کارگران معادن آهنش از سقف و سر پناهی قابل اتکاء برخوردار نیستند. سرزمینی که معادن طلاش هر سرمایه دار جویای سود را به این گوشه از قاره آمریکا میکشاند. اما کارگران معادن طلاش در سیاهی غوطه ورنند و بسیاری از کودکانش بجای سرکلاس درس بودن در گوشه خیابانها در تلاش برای گذران یک زندگی مادون انسانی دست و پا میزنند. در برزیل ثروت و پیشرفت سرمایه داری با فقر و فلاکت و بی تامينی کارگر در عریانترین شکلی گره خورده است. سرزمینی که زاغه نشینی محصول و عملکرد مستقیم سرمایه است و روزمره تولید و باز تولید میشود.

انتخابات برزیل نشان دهنده یک چرخش آشکار به چپ بود. ۳۰ سال پس از سالوادور آلنده یک سوسیالیست در آمریکای لاتین در مقابله با راست محافظه کار و کاندیدش خوزه سررا به پیروزی رسیده بود. پیروزی لولا شکست آشکار پروژه بورژوازی راست و آمریکا در بزرگترین کشور آمریکای لاتین است. این تغییرات به برزیل محدود نخواهد ماند. هم اکنون جو سیاسی آمریکای لاتین و جنوبی، بولیویا، آرژانتین و اروگوئه، به چپ متمایل شده است. برزیل همواره نقشی کلیدی در تحولات آمریکای لاتین داشته است. وعده وام اضطراری ۳۰ میلیارد دلاری صندوق بین المللی پول در ماه اوت نیز نتوانست تغییری در انتخاب مردم بوجود آورد. پس از ورشکستگی پروژه اقتصادی سرمایه در آرژانتین، شکست سیاسی در برزیل آلترناتیو متفاوتی در مقابل مردم قرار داده است. ادامه وضع موجود، ادامه الگوی ریاضت اقتصادی بانک جهانی، یعنی ادامه فقر و فلاکت برای مردم دیگر قابل تحمل نیست. چپ جامعه لولا را به قدرت رساند. پیروزی لولا بیانگر تمایل مردم به تغییر زندگی و تغییر در وضعیت موجود است. لولا برای مردم انتخابی فراتر از یک رای بود. لولا امید زاغه نشینان به سرپناه است، امید کارگر به افزایش دستمزد است که متوسط آن اکنون ۱۲۰ دلار در ماه است. امید سالمند نیازمند به بیمه درمانی و تامین اجتماعی در دوران از کارافتادگی است. لولا امید مردم زحمتکش و گرسنه برای داشتن سه وعده غذا در روز است. امید بیکاران به کار و اشتغال است.

اما آیا لولا میتواند به این خواسته‌های مردم زحمتکش جامه عمل بپوشاند؟ راه آتی لولا دشوار است. برزیل در آستانه ورشکستگی اقتصادی است. در میانه راهی است که آرژانتین پیموده است. در سال گذشته ۴۰٪ از ارزش پول برزیل در مقایسه با دلار کاسته شده است. نرخ بهره به ۲۱٪ افزایش یافته است. ۸٪ نیروی کار جامعه بیکار است. بدهی دولتی از ۳۰٪ به ۶۰٪ در آمد ناخالص ملی تغییر کرده است. زمانیکه لولا به کاخ ریاست جمهوری قدم بگذارد، بدهی برزیل معادل ۳۴۰ میلیارد دلار خواهد بود. لولا از دو طرف تحت فشار است، فشار از سوی دو قطب متخاصم جامعه. فشار راست و سرمایه بین المللی و فشار چپ و کارگر و مردم زحمتکش گرسنه. بازار بورس و سهام جهانی مضطرب است و خواهان تضمینات سیاسی قابل اتکایی است. از هم اکنون به لولا هشدار میدهد که سیاستهای مالیات توان او را برای افزایش دستمزد محدود و مقید خواهد کرد. اما مردم خواهان غذا و مسکن و کار و تامین اجتماعی اند. کشمکش جدیدی بر سر آینده برزیل آغاز شده است.

لولا به بیکاران وعده کار، به گرسنگان وعده غذا، و به صندوق بین المللی پول وعده ادامه سیاست اقتصادی دوران کاردوسا رئیس جمهور قبلی را اما با تعدیلاتی داده است. در اولین نطق پس از پیروزی وعده داد که سیاست اقتصادی و مالی دیکته شده صندوق بین المللی پول را دنبال خواهد کرد. قول داد که برزیل در پرداخت اقساط بدهی های ۲۶۰ میلیارد دلاری کنونیش تعللی نخواهد کرد. قول داده است که سیاست اقتصادی و برنامه رفاه اجتماعی تورم را نخواهد بود. سیاستهایش منجر به ایجاد کسری بودجه نخواهد شد. و به سیاست ۳٪ افزایش بودجه مورد نظر صندوق بین المللی پول متعهد خواهد بود.

لولا به لحاظ سیاسی به طیف "چپ مرکز" در سیاست برزیل تعلق دارد. او در برزیل به نیروی چپ پیروز شد، اما این پیروزی چپ کمونیست، چپ لغو کار مزدی، و چپ ضد سرمایه و طرفدار لغو مالکیت خصوصی و مناسبات سرمایه داری نیست. چپی نیست که برنامه اش سازماندهی تولید برای رفع نیازمندیهای متنوع همگان بجای تولید برای سود سرمایه باشد.

مسلمها از هر درجه بهبود و رفرف در زندگی مادی مردم باید قاطعانه دفاع کرد. برای گسترده ترین و عمیق ترین اصلاحات اقتصادی و سیاسی و بالابردن سطح زندگی مردم باید تلاش کرد. هر چه طبقه کارگر و مردم زحمتکش از رفاه و امنیت اقتصادی بیشتری برخوردار باشند به همان درجه شرایط برای تحولی بنیادی علیه سرمایه داری مهیا تر خواهد شد. اما ایمنی اقتصادی و رفاه مردم در تناقض با سود سرمایه است. نمیتوان هم صندوق بین المللی پول و سرمایه را راضی کرد هم به خواستهای عادلانه مردم جامعه عمل پوشاند. گرسنگی و فقر و فلاکت و بیکاری و زاغه نشینی و بی تامینی و عدم دسترسی همگان به بیمه های درمانی و آموزش رایگان محصول مستقیم کارکرد نظام سرمایه داری در برزیل است. سرمایه داری با "چهره انسانی" و "دلسوز" به حال مردم تنها یک رویای توخالی و پوچ است، دروغ است. نمیشود در پروسه تحقق مطالبات مردم به قید و بندها و حساب سود و زیان سرمایه و مصالح "اقتصاد کشور" مقید و پای بند بود. این حقیقتی است به قدمت عمر سرمایه داری. سرمایه داری و رفاه و سعادت مردم قابل جمع نیستند. تحقق سوسیالیسم تنها تضمین سعادت مردم است.